

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خواص
و
لحظه‌های تاریخ‌ساز

جلد ۱ - ۳

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

عنوان و نام پدیدآور	: خواص و لحظه‌های تاریخ‌ساز / مؤسسه فرهنگی قدرولایت.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه فرهنگی قدرولایت، ۱۳۸۰.
مشخصات ظاهری	: ج ۳، در یک مجلد (۴۲۴ ص.)
شابک	: (دوره) 964-6248-99-3؛ (ج. ۱) 964-7292-10-4؛ 964-7292-10-8 ریال ۳۰۰۰۰
یادداشت	: چاپ دوم: ۱۳۸۶ (فیبیا) چاپ دهم ۱۳۹۵ ۱۵۰۰۰۰ ریال
یادداشت	: این کتاب قبلاً به صورت ۳ جلد مجزا منتشر شده است.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۳. قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- اثبات خلافت.
موضوع	: صحابه.
شناسه افزوده	: مؤسسه فرهنگی قدرولایت
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۰ خ/۹/۵۴/۵۴ BP۲۲۳
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۲۵۳۸-۷۹ م



مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت

خواص و لحظه‌های تاریخ‌ساز - جلد (۱-۳)

گردآوری و تنظیم: مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت
ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت
نوبت چاپ: دهم ۱۳۹۵
شمارگان: ۵۰۰ جلد
حروفچینی: ظریفیان
چاپ و صحافی: سفیر اردهال
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۹۲-۱-۰-۸ ISBN: 978-964-7292-10-8
تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۸ - ۶۶۴۱۱۱۵۱
www.ghadr110.ir
کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است



فهرست مندرجات

پیشگفتار ۹

جلد اول

فصل اول ۲۱

خواص و عوام ۲۱

جهاد در فرهنگ اسلامی ۲۳

جهاد فکری ۲۴

ایران، کانون جهاد ۲۴

عبرت گرفتن از تاریخ ۲۵

عبرتهای عاشورا ۲۵

چرا امت اسلامی دچار غفلت و سستی شد؟ ۲۶

باید جلوی تکرار تاریخ را بگیریم ۲۷

خواص و عوام در جامعه ۲۸

ویژگیهای خواص ۲۹

تابعیت عوام ۳۰

خواص در دو جبهه‌ی حق و باطل ۳۰

خواص طرفدار حق ۳۱

باید مواظب باشید جزو عوام نباشید ۳۲

- ۳۳..... خواص طرفدار حق دو دسته‌اند
- ۳۴..... نقش دل سپردن به دنیا در خواص
- ۳۶..... دوران لغزیدن خواص طرفدار حق
- ۳۷..... خواص در دوران امیرالمؤمنین (ع)
- ۳۸..... شهادت یا ماندن
- ۳۹..... نقش تعیین‌کننده‌ی خواص
- ۴۱..... حرکت عوام به دنبال حرکت خواص
- ۴۲..... حرکت بدون تحلیل عوام
- ۴۳..... خواص طرفدار حق مقصرند
- ۴۴..... حرکت بجا و حرکت نابجا در تاریخ
- ۴۵..... اثر شهادت شهدای کربلا
- ۴۶..... خواص کوتاهی کردند
- ۴۶..... تصمیم به موقع امام راحل (ره)
- ۴۷..... نصرت خدا
- ۴۸..... تطبیق وقایع تاریخی با هر زمان
- ۴۹..... انتخابات و دخالت نیروهای بسیج
- ۵۰..... کشور ما، کشور مجاهدت فی سبیل الله
- ۵۳..... **فصل دوم**
- ۵۳..... لغزش خواص در برابر دنیا
- ۵۵..... غدیر و منزلت علی علیه السلام
- ۵۸..... اگر گذشته بودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۵۸..... آن وصیت را بنویسند؟!



- ۶۱ به خاطر اسلام از این کار جلوگیری کردم!!
- ۶۳ فتنه خواص درحالی که بدن مطهر.....
- ۶۳ رسول خدا ﷺ بر روی زمین بود!
- آستانه رحلت پیامبر اکرم ﷺ بود. بدین سان آن گونه که رسول گرامی اسلام.....
- ۶۳ اگر چهل مرد وجود داشت نیروی آن را داشتم!
- ۷۰ شورایی که حق را به غیر اهل آن سپرد!!
- ۷۳ باکمک چه کسی با آنان جنگ کنم؟
- ۷۵ مرا به حرم پیامبر برگردانید!
- ۸۲ خواص آگاه به حق اما ساکت و خانه نشین!!
- ۸۷ بازگشت دیر هنگام و بی نتیجه.....
- ۹۲ اصلاح اندکی از دنیا در برابر فاسد شدن.....
- ۹۷ بسیاری از دین!!
- ۹۷ عمرعاص در معامله دین با دنیا!!
- ۱۰۰ اشعث بن قیس، در بوته آزمایش چرب و شیرین دنیا!
- ۱۰۸ قرآن‌ها بر فراز نیزه‌ها!!
- ۱۱۰ دام دیگری برای خواص.....
- ۱۱۰ مخالفت خواص با انتخاب حکم.....
- ۱۱۵ توسط علی علیه السلام.....
- ۱۱۵ پادشاهی تو را بر دین خودم ترجیح دادم!!
- ۱۱۹ بگذار تا لوازم کافی جمع کنیم!!!
- ۱۲۱ شهادتی که تاریخ را دگرگون کرد
- ۱۲۴

۱۳۰..... غربت مُسلم، درس عبرتی دیگر برای خواص

جلد دوم

۱۳۹..... **فصل اوّل**

۱۳۹..... چطور شد جامعه‌ی ساخته و پرداخته

۱۳۹..... پیامبر ﷺ، اینقدر انحراف پیدا کرد؟

۱۷۱..... **فصل دوم**

۱۷۱..... خواصی که در راه حق

۱۷۱..... ثابت قدم ماندند

۱۷۳..... عراقین را به تو می‌دهم!!

۱۸۳..... او نسبت به شما ناصح و خیرخواه و نسبت

۱۸۳..... به دشمنانتان سختگیر و پایدار است

۱۹۳..... او فرزندی خیرخواه و شمشیری برنده

۱۹۳..... و ستونی استوار بود

۲۰۲..... تصمیمی افسانه‌ای

۲۱۱..... مرگ با افتخار

۲۲۵..... **فصل سوم**

۲۲۵..... خواصی که در لحظه‌های تاریخ‌ساز

۲۲۵..... دین به دنیا فروختند

۲۲۷..... و سوسه‌ی یک میلیون درهم!

۲۳۶..... اگر امروز نتوانم حکومتی بدست آورم

۲۳۶..... هرگز نخواهم توانست!!

۲۴۶..... رکاب مرا از طلا پر کنید!



- ۲۵۶..... وای بر من از تو.....
- ۲۶۹..... بسیار خوبی که به یک بدی آمیخت!!.....
- ۲۷۹..... فرمانداری که به دشمن پیوست.....

جلد سوم

- ۲۸۹..... ابوموسی در یک نگاه.....
- ۲۹۳..... **فصل اوّل**.....
- ۲۹۳..... ابوموسی قبل از حکومت حضرت علی علیه السلام.....
- ۳۰۵..... **فصل دوم**.....
- ۳۰۵..... ابوموسی در زمان حکومت امام علی علیه السلام.....
- ۳۰۷..... ابقا در حکومت کوفه.....
- ۳۴۷..... **فصل سوم**.....
- ۳۴۷..... ابوموسی و حکمیّت.....

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیشگفتار

زندگی انسانها در ادوار و زمانهای مختلف، گرچه در هر مقطع، شکل متمایز و منحصر به فردی از نظر فرهنگ، حکومت، اقتصاد، جمعیت، قدرت و... دارد؛ اما از نظر سنتهای تاریخی حاکم بر رفتار و اعمال اجتماعی سراسر، شباهت و همانندی است. آن گونه که امیرالمؤمنین علی ع می فرماید: «از حال فرزندان اسماعیل و فرزندان یعقوب عبرت گیرد، هان که چقدر حالات (ملتها) مشابه و صفات و افعالشان شبیه همدیگر است.»^(۱)

این شباهت در صفات و رفتار، تا حدی است که حوادث و رخدادهای گذشته می تواند برای آیندگان عبرت، پند و تجربه باشد.

«تاریخ»، شرح زندگی جوامع انسانهاست و جامعه انسانی نیز تابع اصول و قواعدی است که در هر دوره، با حصول شرایطش، قابل تکرار است. از این رو مطالعه تاریخ، عموماً و بررسی تاریخ جوامع مسلمانان که براساس الگوهای دینی اداره می شوند، خصوصاً، برای جامعه اسلامی ما آموزنده و راهگشا خواهد بود.

تاریخ راهمچنین می توان از زوایای متفاوتی مورد بررسی قرار داد. یکی از این زوایا، مطالعه زندگی و شیوه حرکت تاریخ سازان مقاطع مختلف زندگی بشر

است. در یک تقسیم بندی کلی، جامعه انسانی به دو گروه عوام و خواص، پیشرو و دنباله رو، اهل تفکر، تحقیق و تحلیل گرو آنان که اهل تحلیل و تحقیق نیستند، تقسیم می‌شوند. هر کدام از این دو گروه دارای تعریفی است که از افراد گروه دیگر متمایز می‌شود. دسته اول را با صفاتی چون عوام، دنباله رو و مقلد برشمردیم. این گروه در صحنه رخداد‌های اجتماع، قدرت تحلیل و درک مسائل را ندارند و چون موج، بر اثر وزش باد، به سمتی حرکت می‌کنند. نظام حاکم بر جامعه را بسرعت می‌پذیرند و بسرعت نیز رنگ عوض می‌کنند.

این گروه رفتار خود را با تفکر، تحقیق و تحلیل انجام نمی‌دهند؛ بلکه بیشتر به تقلید از دیگران می‌پردازند.

البته هرگز عوام بودن و نداشتن قدرت تفکر و تحلیل، به معنای نداشتن تحصیلات علمی نیست، ای بسا درس خوانده‌ای که تحصیلات عالی هم دارند؛ اما عوام است؛ و مدرسه نرفته‌ای که قوه تفکر، تحقیق و تدبیر در مسائل را دارد.

گروه دوم که اصطلاح‌های آگاهان، خواص، پیش‌رو، اهل تحقیق و تحلیل برای آنان به کار بردیم، کسانی هستند که رفتار و اعمال خود را براساس تحقیق و آگاهی انتخاب می‌کنند. پیش از حرکت، راه را شناسایی می‌کنند، جهت انتخاب مسیر و علت آن را می‌دانند، براساس مطالعه تصمیم‌گیری می‌کنند و کمتر تابع موج تبلیغات و حرکت انبوه خلق هستند. این گروه هستند که حوادث را خلق می‌کنند و دسته اول را مطابق میل خود وارد عمل می‌کنند. از این جهت، بی‌مناسبت نیست که پیشرفت و عقب‌ماندگی، خوبی و بدی، و فراز و نشیب جامعه را به این گروه نسبت می‌دهند.

در تقسیم بندی این دو جریان اجتماعی، مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید:

«به جهات بشری که نگاه می‌کنید، در هر جامعه‌ای، در هر شهری، در هر کشوری، با یک دید، با یک نگاه، با یک پرسش، مردم تقسیم می‌شوند به دو



قسم؛ یک قسم کسانی که از روی تفکر و فهمیدگی و آگاهی تصمیم می‌گیرند، کار می‌کنند، یک راهی را می‌شناسند و به دنبال آن راه حرکت می‌کنند، به خوب و بدش کار نداریم. یک قسم اینها هستند. حالا اینها را اسمشان را بگذاریم «خواص»، یک قسم کسانی هستند که نه، دنبال این نیستند که بینند که چه راهی درست است، چه حرکتی صحیح است، بفهمند، بسنجند، تحلیل کنند، درک کنند، می‌بینند جوّ این جوری است، دنبال آن جوّ حرکت می‌کنند. اسم اینها را هم بگذاریم «عوام». پس جامعه را می‌شود تقسیم کرد به خواص و عوام... توی آنها که ما می‌گوییم خواص، آدمهای با سواد هم هست، آدمهای بی‌سواد هم هست، گاهی کسی بی‌سواد است؛ اما جزو خواص است. می‌فهمد که دارد چکار می‌کند. از روی تصمیم‌گیری و تشخیص عمل می‌کند و لو درس نخوانده... خواص که می‌گوییم از خوب و بدش؛ یعنی کسانی که وقتی عملی را انجام می‌دهند، موضع‌گیری می‌کنند، راهی را انتخاب می‌کنند، از روی فکر و تدبیر است. می‌فهمند و تحلیل می‌کنند و عمل می‌کنند. عوام یعنی کسانی که وقتی جوّ به یک سمتی می‌رود، اینها هم می‌روند. تحلیل ندارند، یک وقت مردم می‌گویند زنده باد... می‌آید نگاه می‌کند و می‌گوید زنده باد. یک وقت مردم می‌گویند مُرده باد، نگاه می‌کند، می‌گوید مُرده باد. یک وقت جوّ این جور است، این جا می‌آید. یک وقت جوّ آن جور است، آن جا می‌آید... خوب، پس در هر جامعه‌ای خواصی داریم و عوامی. عوام را بگذاریم کنار، بیاییم سراغ خواص، خواص طبعاً دو جبهه هستند؛ خواص جبهه حق و خواص جبهه باطل. یک عده‌ای اهل فکر و فرهنگ و معرفت‌اند، برای جبهه حق دارند کار می‌کنند. فهمیدند حق با این طرف است، حق را شناختند. دارند برای حق حرکت می‌کنند. اینها یک دسته‌اند. یک دسته هم نقطه مقابل حق‌اند، ضد حق‌اند. حال اگر برویم به صدر اسلام، یک عده‌ای اصحاب امیرالمؤمنین و امام حسین و بنی‌هاشم‌اند. یک عده‌ای هم اصحاب معاویه‌اند. اینها هم داخلشان خواص بودند. آدمهای با فکر، آدمهای

عافل، آدمهای زرنگ طرفدار بنی امیه، آنها هم خواص اند. آنها هم خواص دارند. پس خواص هم در یک جامعه دو جور هستند. خواص طرفدار حق و خواص طرفدار باطل. از خواص طرفدار باطل شما چه توقع دارید؟ توقع دارید که بنشینند علیه حق و علیه شما برنامه ریزی کند. با خواص طرفدار باطل باید جنگید»^(۱)

چنانکه اشاره رفت، گروه اهل تفکر و به تعبیر مقام معظم رهبری «خواص»، به دو بخش، طرفدار حق و طرفدار باطل، تقسیم می‌شوند. هر دو جبهه حق و ناحق، دارای متفکران، محققان و تحلیل‌گرانی هستند که عوام آن جامعه را به دنبال خود حرکت می‌دهند.

گروه مخالف حق، با پرچمی که برافراشته‌اند، برای حق جویان شناخته شده هستند و وظیفه انسانهای راستین مبارزه با آنان است.

گروه خواص طرفدار حق، نسبت به پایداری و استقامت در اعتقادات نیز تقسیم‌پذیر هستند. جمعی پس از شناخت راه، تا آخر مقاومت می‌کنند. و سیل حوادث و رویدادها در اراده‌شان خلل و رخنه‌ای ایجاد نمی‌کند. به عکس، عده‌ای پایداری لازم را ندارند و بمرور ایام در جریانهای دیگر هضم می‌شوند.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«خواص طرفدار حق، عزیزان من دو جورند، یک جور کسانی هستند که در مقابله با دنیا و زندگی، با مقام و شهوات، با پول، با لذت، با راحتی، با نام، موفقند. یک دسته موفق نیستند در رابطه با این چیزهای خوب. اینها همه‌اش چیزهای خوب، همه‌اش زیباییهای زندگی است. «متاع الحیاة الدنیا» متاع یعنی بهره، اینها همین بهره‌های زندگی است... اگر شما آن قدر مجذوب شدید، خدای نخواسته آنجایی که کار سخت به میدان آمد، نتوانستید از اینها دست بردارید، این می‌شود



یک جور وگرنه از این متاع بهره هم پدید می آید؛ اما آنجایی که پای امتحان سخت پیش می آید، می توانید راحت از اینها دست بردارید، این می شود یک جور دیگر.»^(۱)

از خواص طرفدار حق که در دل جامعه موحدان و حق خواهان قرار دارند و الگوی راه و مرجع حرکت توده ها هستند، گروهی در مقابل دنیا و مظاهر فریبنده آن مقاومت و پایداری می کنند و چرب و شیرین روزگار، آنان را از مسیر حق متوقف نمی کند. اگر این دسته در جامعه اسلامی اکثریت داشته باشند، تند باد بلا یا و حوادث نخواهد توانست نهضت حق گویان را مضطرب سازد؛ چرا که استقامت این افراد، روح صلابت را به جامعه منتقل می کند.

اما گروهی از خواص طرفدار حق، به رغم شناخت حق و باطل، در مقابل دنیا و زرق و برق و دلفریبی آن شکست می خورند. عشق به منافع دنیوی، غفلت از خدای تعالی، میل به سلامت و ترس از زیان و عواملی از این قبیل، باعث عقب نشینی این افراد می شوند. اگر این دسته از اهل تفکر، تحلیل و خواص، در جامعه اسلامی اکثریت داشته باشند، سنگرهای مبارزه و جهاد، یکی پس از دیگری به سوی عافیت طلبی و رفاه زدگی تخلیه می شوند، و آن گاه است که یزیدیان به امامت جامعه می رسند و «حسین بن علی» ها به مسلخ کربلا کشانده می شوند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام طرد و معاویه، میداندار جهان اسلام می شود. درباره این گروه از خواص طرفدار حق، رهبر معظم انقلاب می فرماید:

« (گروهی از خواص طرفدار حق) حق را هم می شناسند و طرفدار حق اند، در عین حال در مقابل دنیا پایشان می لرزد. دنیا یعنی چه؟ یعنی پول، یعنی خانه، یعنی شهوات، یعنی مقام، یعنی اسم و شهرت، یعنی پست و مسئولیت و یعنی جان، اگر اینها، آن جایی که باید حق بگویند، نگویند، چون جانانشان به خطر

می‌افتد، یا برای مقامشان یا برای شغلشان یا برای پولشان یا برای محبت به اولادشان یا برای محبت به خانواده‌شان، برای محبت به خانواده‌شان و دوستانشان خدا را رها می‌کنند، اگر عدهٔ اینها زیاد بود، آن وقت دیگر واویلاست، آن وقت دیگر حسین بن علی‌ها به مسلخ کربلا خواهند رفت؛ به قتلگاه کشیده خواهند شد. یزید می‌آید سرکار.»^(۱)

از مطالب بالا، اهمیت خواص جامعه و میزان پایداری آنان روی اصول، روشن می‌شود. اگر اهل تفکر و تحلیل در جامعه اسلامی، بموقع حرکت کنند، پشتیبانی کنند، صحنه را در اختیار داشته باشند، گروه‌های وسیع دنباله رو نیز همراه آنان حرکت خواهند کرد. بدیهی است الگو و مرجع بودن خواص در همهٔ ابعاد فکر، سخن و رفتار فردی و اجتماعی متصور است و مجموعهٔ این ویژگی‌هاست که حرکت ساز و جهت دهنده است.

خواص و اهل فکر جامعهٔ صدر اسلام یزید بن معاویه را بخوبی می‌شناختند و مدتی هم در آغاز کار با او مخالفت کردند. اما حاضر همراه با حسین بن علی علیه السلام تا پای جان فداکاری کنند و توده‌های عوام نیز به دنبال سکوت این افراد، به امویان پیوستند.

بی‌شک اگر کاروان کربلا امثال ابن عباس، عبدالله بن جعفر، عبدالله بن عمر، عبدالرحمن بن ابوبکر، عبدالله بن زبیر و.... را همراه داشت، گروه‌های بیشتری را به طرف خود جذب می‌کرد.

در این باره رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید:

«وقتی امام حسین قیام کرد، با آن عظمتی که امام حسین در جامعهٔ اسلامی داشت، خیلی از همین خواص به امام حسین کمک نکردند؛ ببینید چقدر وضعیت در یک جامعهٔ خراب می‌شود، به وسیلهٔ این خواص.... این امام حسین با این



عظمت که ابن عباس هم در مقابلش خضوع می‌کند، عبدالله جعفر خضوع می‌کند، عبدالله بن زبیر با آن که از حضرت خوشش نمی‌آید، در مقابلش خضوع می‌کند، اینها هم خواص جبهه حق‌اند دیگر؛ یعنی طرف حکومت نیستند و طرف بنی امیه نیستند، طرف باطل نیستند، در بین آنها حتی شیعیان زیادی هستند که امیرالمؤمنین را قبول دارند، او را خلیفهٔ اول می‌نامند، همه اینها وقتی مواجه می‌شوند با شدت عمل دستگاه حاکم، می‌بینند بناست جانشان، سلامتشان، راحتشان، مقامشان، خودشان در خطر بیفتد، پس می‌زنند، همه پس زدند، اینها که پس زدند، عوام مردم هم به آن طرف رو می‌کنند.»^(۱)

در بیان نقش خواص طرفدار حق، می‌توان گفت اینها هستند که جامعه را به سوی پیروزی هدایت می‌کنند، یا به سرایشی شکست و انزوا سوق می‌دهند.

از همین جاست که اهمیت شناخت این گروه و نقش آنان در فرازونشیب تاریخ جامعهٔ اسلامی برای همه دلسوزان به جبههٔ حق، لازم و ضروری است.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«از هر طرف که شروع کنید، می‌رسید به خواص، تصمیم‌گیری خواص در وقت لازم، تشخیص خواص در وقت لازم، گذشت خواص از دنیا در لحظهٔ لازم، اقدام خواص برای خدا در لحظهٔ لازم. اینها هست که تاریخ را نجات می‌دهد، ارزشها را نجات می‌دهد، ارزشها را حفظ می‌کند. در لحظهٔ لازم باید حرکت لازم را انجام داد. اگر گذاشتید وقت گذشت، دیگر فایده ندارد.»^(۲)

در مطالعهٔ تاریخ خواص، دو موضوع مهم می‌نماید.

نخست، معرفی مصادیق حرکت خواص که در برهه‌ای حساس مسیر تاریخ را دگرگون کرده یا جهت داده است. شناخت این حوادث، راه را برای کسب تجربه و عبرت باز می‌کند؛ انسانهای بیدار دل را با وظایفشان آشنا تر می‌کند و

۱- پیشین.

۲- پیشین.

مانع از تکرار تاریخ می‌شود.

بخش مهمتر در مطالعه تاریخ خواص، بررسی و شناخت وظایف خواص در هر دوره و مقطع تاریخی است.

خواص باید چگونه نقش خود را ایفا کنند؟ مثلاً چگونه در دنیا باشند و اسیر آن نشوند یا ضمن استفاده از نعمتهای دنیوی، می‌توان در مواقع حساس و لازم از آنان جدا شد؟ نمونه‌ها و مصادیق این موضوع را باید از تاریخ و ارزشهای حاکم بر جامعه و تحلیل وقایع اجتماع و مراجعه تحقیقی به کتاب خدا و سنت رسول اسلام ﷺ در آورد. در باره این موضوع رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

«در دو بخش باید رویش بحث و کار شود؛ یکی بخش تاریخی قضیه است، نمونه‌هایی که در تاریخ فراوان هست، پیدا شود و ذکر شود که کجا خواص باید عمل می‌کردند و عمل نکردند؛ اسم این خواص چیست؟ چه کسانی هستند و یک بخش دیگری که باید کار شود، تطبیق با وضع هر زمان است. یعنی در هر زمان، طبقه خواص چگونه باید عمل بکنند که به وظیفه‌شان عمل کرده باشند. این که گفتیم اسیر دنیا نشوند، این یک کلمه است، چگونه اسیر دنیا نشوند، مثالها و مصادقهایش چیست.»^(۱)

کتاب حاضر به بررسی بخش نخست سخنان معظم له، یعنی شناخت نمونه‌های تاریخی جهت‌گیری و عمل خواص و پیامدهای این اعمال در حیات سیاسی اجتماعی مسلمانان نظر دارد. در فراز و نشیب حوادث صدر اسلام که به دست مردم آن دوران شکل گرفته و به نسلهای بعدی رسیده است، مردمی از جرگه وفاداران واقعی به دعوت رسول گرامی اسلام ﷺ پروانه وار از چراغ هدایت دین، پاسداری نموده و آن را به مثابه امانتی گرانبها به بشریت ارزانی داشته‌اند. از این گروه مجاهدتهای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و



صحابه‌های نامداری چون «ابوذر غفاری»، «عمار یاسر»، «سلمان فارسی»، «مالک اشتر» و هزاران مجاهد حق طلب در تاریخ می‌درخشد. گاه نیز دستهای شیطانی در حریم جامعه اسلامی تجاوز کرده و امت را دچار انحطاط و فرسایش نموده‌اند. به هر حال، شناساندن مصادیق و نخبگان، تأثیری که در تثبیت جهت‌گیریهای امت اسلامی و دگرگونیهای تاریخ اسلامی داشته‌اند، در هر زمان رهگشا خواهد بود.